

عید قربان

در این خانه جا نوری است که از نوازش دستش پدرم بزرگ شد
و دردی بی پدری را فراموش کرد اما این سیاه جامه درخشم حیوانی می خروشد
و من بسمل شدن را از پدر و پدر بزرگ به ارث دارم
و قتی که پدرم در باغچه بامن گرم بازی و مهرورزی بود و مادرم از سبزه های باغچه برایم شیر گرم آماده
میکرد خوشی هاهمه در دوربری من حلقه زده بود
بخاطرم است در باز شد قصاب کهنه کار شناخته شده با شتاب پدرم را گرفت
پدرم فریاد کشید به به به کرد و در گفتار لرزانش شنیدم که گفت پدر بزرگت را همین قصاب گردن بریده
یادت باشد
من با شتاب بچه گانه خود را به سروروی و پاهای پدرم مالیدم چینگ زدم به به به کردم فریاد کشیدم گفتم ای
انسان های بیرحم و بی عاطفه من پدرم را دوست دارم بدون پدر نمی توان زنده گی کرد قصاب صدازد
آب بیارید
آخر عید قربان است قطره آب را در دهن پدرم ریختن و بعد از آن کار در ابالای گلویش کشیدن خون فوران زد
پدرم را بر درخت آویختن خورش قطره قطره میریخت قصاب پوستش را از بدنش جدا کرد
و من دربی باوری چشمانم دیدم خون از چشمان من جاری شد کوه های آتشفشان در جانم شعله کشید
مدت ها نه سبزه از گلیم پایین میرفت نه آب عید قربان را بیاد داشتم عید قربان برای من محرم بود که
در این روز جمع از خویشاوندانم به کشتارگاه برده شده دیگر هیچ وقت آنها را ندیدیم
من از انسان های مینترسیدم این حیوانات وحشی با وجود آنکه نمی خواستم زنده گی کنم اما به ناچار
زنده گی کردم
مادرم از مادری خود قصه هدا داشت که میگفت: وقتی که مادرم در بطن خود برادری کوچک را داشت شنیده
بود
که میگفتن در بطن این گوسفند قتل خوب است مادرم را گردن بریدن و حتی برادری کوچک را گردن
بریدن و از پوست آن کلاه کرزی دوختن من دربی باوری چشمانم همه را دیدم و شنیدم
بلاخره باز هم عید قربان رسید قصاب کهنه کار سروکله اش پیدا شد من را گرفت و من بی حرکت منتظری
لحظه بودم

قصاب من را خواباند خواست کار در ا در گلویم بکشد من بایک لگد کار در ا در چشمش فرو بردم که از یک چشم کور شد

آن قصاب رهبر طالبان ملایر بانی بود که این حیوانات نه تنها بالای گوسفندان بلکه بالای هم نوع خود هم رحم و عاطفه ندارند و هم نوع خود را هم گردن میبرند

من فراری کوه ها شدم عقبم هر قدر آمدن من را دستگیر کرده نتوانستن من دیگر آب از دست انسان نخوردم علف از دست انسان نخوردم

تشنگی هارا کشیدیم گرسنگی هارا کشیدیم اما آزاد در کوه هازندگی کردم آزاد به به کشیدیم من آزادم آزاد

من دوستان پیدا کردم آهوبچه وحشی بزکوهی وحشی وحشی پرنده های وحشی از وحشی بودن خوشم آمد از آزادی خوشم آمد

نازنین ساحل